

## بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های بم، ورزقان و اهر

امیر سلطانی نژاد<sup>۱</sup>، ادیبه برشان<sup>۲</sup>،

امیر صدراسدی<sup>۳</sup>، منصوره میر حسینی<sup>۴</sup>

۱. نویسنده مسئول: دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه

فرهنگیان خواجه نصیرالدین طوسی، کرمان، ایران

Email: amirsoltan59@gmail.com

۲. دکتری سنجش آموزش، دانشگاه تهران، تهران

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

۴. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه پیام

نور سمنان، سمنان، ایران

دریافت: پذیرش:

### چکیده

**مقدمه:** زلزله از غم‌انگیزترین و مخوف‌ترین بلایای طبیعی به شمار می‌آید که هر ساله جان عده زیادی از افراد را در سراسر جهان می‌گیرد و خسارات زیادی به بار می‌آورد. این خسارات تنها محدود به خسارات مادی نمی‌شود بلکه صدمات و آسیب‌های اجتماعی زیادی نیز به جامعه وارد ساخته است؛ بنابراین اگرچه زلزله یک حادثه طبیعی است، اما به سبب آثار اجتماعی گوناگونی که دارد به یک موضوع جامعه‌شناختی تبدیل شده و گروه‌های آسیب‌پذیری را به وجود می‌آورد. یکی از این گروه‌ها امدادگران می‌باشند. هدف این پژوهش بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در زلزله بود.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع کیفی - کمی بود که به صورت مقطعی انجام شد. جامعه آماری شامل امدادگران استان‌های آذربایجان شرقی و کرمان بود. در بخش کیفی، به منظور شناخت آسیب‌های اجتماعی امدادگرانی که زلزله را تجربه نموده‌اند، از طرح تحقیق پدیدارشناسی با بهره‌گیری از گروه‌های کانونی استفاده شد. بدین منظور تعداد سیزده نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند برای گروه کانونی امدادگران انتخاب و آسیب‌های اجتماعی زلزله، شناسایی شدند. در مرحله کمی، نود نفر از امدادگرانی را که زلزله‌های بم، ورزقان و اهر را تجربه کرده‌اند انتخاب و سپس نود نفر را که زلزله را تجربه نکرده‌اند به‌طور هم‌تا با گروه اول انتخاب شده‌اند و به سؤالات پرسشنامه انزوای اجتماعی، پرسشنامه بی‌هنجاری اجتماعی و پرسشنامه فرسودگی شغلی پاسخ دادند. داده‌های گردآوری شده با نسخه ۲۱ نرم‌افزار SPSS و آزمون T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** در بخش کیفی، آسیب‌های اجتماعی زلزله شامل بی‌هنجاری اجتماعی، انزوای اجتماعی و فرسودگی شغلی از طریق مصاحبه‌ها شناسایی شدند. در بخش کمی نتایج نشان داد میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله  $(\pm 23/78)$  و سایر امدادگران  $(\pm 22/27)$ ، میانگین انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله  $(\pm 2/63)$  و سایر امدادگران  $(\pm 2/34)$  و میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله  $(\pm 11/91)$  و سایر امدادگران  $(\pm 17/77)$  بود؛ بنابراین میزان بی‌هنجاری اجتماعی و

درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. درحالی‌که شش درصد تلفات بلایای جهان به ایران تعلق دارد (۲). زلزله به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی شناخته می‌شود که تأثیر عوارض آن روی جوامع بشری چه از بعد تلفات جانی و چه از نظرهای اقتصادی همواره در طول تاریخ قابل توجه بوده است. با توجه به این‌که ایران بر روی کمربند زلزله‌خیز آلپ هیمالیا قرار گرفته، زلزله‌های شدیدی این کشور را تهدید کرده و عامل تلفات بشری و خسارات اقتصادی قابل توجه در کشور شده است. مناطقی چون تربت‌حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبار گیلان، طبس، سیرج کرمان، بم، اهر و ورزقان مهم‌ترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند (۳).

حوادث طبیعی به سبب ابعاد گسترده و پیامدهایی که بر ساخت زندگی بشری می‌گذارند از اهمیت خاصی برخوردارند. از جمله پیامدهای این حوادث بالأخص زلزله، آسیب‌های پذیری گروه‌های اجتماعی می‌باشد. بر این اساس مصائب جمعی از منظر جامعه‌شناختی نه تنها رویدادهای جوی و زمین‌شناختی بلکه وقایع اجتماعی جوهری یا اثری‌اند. منظور از این مفهوم که راسل، آر، دای نس<sup>۱</sup> کراراً آن را به‌کاربرده است اشاره به وقایع اجتماعی تام تمام و کامل است؛ زیرا پس از حادثه پدیده اجتماعی بدون نقاب ظاهر می‌شود (۴).

درحوادث طبیعی نه‌تنها ساکنین منطقه حادثه‌دیده، آسیب می‌بینند بلکه گروه‌های کمک‌رسان و امدادگران هم تحت تأثیر این حوادث قرار می‌گیرند.

انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران بود ( $P < 0/01$ ). همچنین یافته‌ها نشان داد که فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران بود ( $P < 0/01$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، امدادگران از جمله گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در زلزله می‌باشند که علاوه بر آسیب‌های روانی اضطراب، احساس گناه، افسردگی و درماندگی، دچار آسیب‌های اجتماعی نیز خواهد شد که این آسیب‌ها کمتر موردتوجه قرار گرفته است؛ بنابراین برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش و کنترل این‌گونه آسیب‌ها، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش روی خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** آسیب‌پذیری اجتماعی، امدادگران؛ زلزله، انزوای اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی

## مقدمه

وقوع حوادث و بلایای طبیعی را می‌توان از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی بشر به‌خصوص مردم کشورهای درحال توسعه دانست. در نگرش کلی، بلایا را می‌توان به دودسته؛ بلایای ناشی از پدیده‌های طبیعی و بلایای حاصل از دخالت انسان تقسیم کرد. آمار رخداد بلایا در کشورهای درحال توسعه حاکی از آن است که اکثر بلایای واقع شده از دسته اول یعنی بلایای طبیعی می‌باشند (۱). بر اساس آمارهای منتشرشده، کشور ما به لحاظ حوادث غیرمترقبه جزو ۱۰ کشور بلاخیز جهان است که از ۴۰ حادثه طبیعی غیرمترقبه بیش از ۳۰ مورد آن در ایران رخ می‌دهد. ایران تنها یک

<sup>۱</sup>Russel-r- dynes

تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر این امر می باشد.

پاتون<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) پس از بررسی و بازنگری تعدادی از مطالعات مربوط به تکمیل نقش امدادگر، علائم عمده ناشی از آثار فاجعه بر سلامت امدادگران را تغییر عادات تغذیه، بیماری‌های عمومی بدن، افزایش استعمال دخانیات - که به‌طور غیرمستقیم آثار سوئی بر امدادگر دارد - مشکلاتی از قبیل تنش‌های عضلانی شدید، اختلالات روده‌ای - معده‌ای، سردرد، کمردرد و فرسودگی شغلی<sup>۲</sup> می‌داند (۵)

رافائل<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) معتقد است که واکنش روان‌شناختی و هیجانی متداول نسبت به فشارهای نقش، افسردگی است. این افسردگی، به‌ویژه در مددکاران اجتماعی که به یاری و کمک قربانیان به صحنه فاجعه وارد می‌شوند، مصداق پیدا می‌کند. همچنین، مشکلات و اختلافات خانوادگی، حادثه‌پذیری<sup>۴</sup> و استعداد ابتلا به امراض جسمی در سایر متون مربوط به امدادگران توصیف شده است، هرچند این قبیل موضوع‌ها به‌گونه‌ای منظم مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند رافائل همچنین، علائم و واکنش‌های امدادگران به ابهام نقش را چنین مطرح می‌سازد؛ مشکلات خواب، احساس بی‌کفایتی، افکار ناخواسته، احساس درماندگی و افسردگی تحریک‌پذیری، خشم و تغییرات انگیزشی (۶) می‌بینیم که تحقیقات انجام شده پیرامون

آسیب‌پذیری<sup>۵</sup> در حوادث طبیعی، آسیب‌های روانی و جسمانی محدود است و این در حالی است که بدون شک حوادث با خود تبعات اجتماعی زیادی خواهند داشت. در برخی موارد گستردگی آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتر از مسائل روان‌شناختی است، چنانچه دامنه آسیب‌های اجتماعی وارده، سال‌ها بعد از وقوع یک بحران حضور خواهد داشت؛ بنابراین انتظار می‌رود که به ابعاد اجتماعی حوادث خصوصاً حوادث طبیعی بیشتر پرداخته شود. در این‌بین توجه به آسیب‌های وارده بر امدادگران، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا فرسودگی شغلی ناشی از استرس شغلی، سبب بی‌هنجاری اجتماعی و انزوای اجتماعی در این گروه می‌گردد. بنابراین با توجه به آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران و کمبود تحقیقات انجام شده در این زمینه، وظیفه هر انسان دانشگاهی و محقق این است که متناسب با رشته تخصصی خود گامی هرچند کوچک برای شناخت فاجعه و آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی بردارد. بدین ترتیب هدف محقق از این پژوهش بررسی آسیب‌پذیری امدادگران در زلزله در ابعاد بی‌هنجاری اجتماعی، فرسودگی شغلی و انزوای اجتماعی می‌باشد. در این راستا محقق می‌کوشد، علاوه بر باز کردن دریچه‌های جدیدی پیش روی پژوهشگران و مؤسسات مطالعاتی در راه تحقیق در آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران، خلأ و کمبود منابع اطلاعاتی در زمینه جامعه‌شناسی گروه‌های

<sup>۱</sup> Paton  
<sup>۲</sup> Job Burnout  
<sup>۳</sup> Rapheal  
<sup>۴</sup> accident prone

<sup>۵</sup> vulnerability

اجتماعی آسیب‌پذیر در حوادث طبیعی را تا حدودی پر نماید.

### مباحث نظری

اگرچه بلايای طبیعی در نگاه اول، موضوع کنکاش مباحث جامعه‌شناختی نیست؛ اما به سبب وقوع اتفاقات پس‌از آن، این علم می‌تواند به این موضوع وارد شود. زیرا پیامدهای اجتماعی حوادث عظیمی همچون زلزله، ساخته‌شدن بی‌هنجاری<sup>۱</sup>، بیگانگی اجتماعی<sup>۲</sup>، نابسامانی<sup>۳</sup>، انزوای اجتماعی<sup>۴</sup> و عدم تعادل در گروه‌های اجتماعی است (۷). با به هم خوردن الگوهای مرسوم و متعارف زندگی اجتماعی، افراد به‌طور یکسان آسیب نمی‌بینند و گروه‌های آسیب‌پذیر را به وجود می‌آورند. بررسی آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی در حوادث در حیطه جامعه‌شناسی فاجعه قرار می‌گیرد این شاخه از جامعه‌شناسی، رهیافتی مبتنی بر نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی است که ابعاد اجتماعی رفتار انسان‌ها را به‌طور سیستماتیک در نظر می‌گیرد. این رهیافت به آسیب‌پذیری، واکنش جوامع، دگرگونی‌های اجتماعی و تأثیرات آسیب بر رفتار افراد در ابعاد اجتماعی می‌پردازد. به‌طورکلی این شاخه از جامعه‌شناسی، به دنبال مشخص نمودن این مسئله است که در شرایط فاجعه چه متغیرهایی بر ساختار یک نظام اجتماعی و روابط درون آن تأثیر می‌گذارد. یکی از این متغیرها شغل میباشد و به همین دلیل از میان گروه‌های اجتماعی، امدادگران بیشتر از

سایر گروه‌ها در معرض پیامدهای اجتماعی حوادث طبیعی قراردارند و بحران‌ها همواره آسیب‌پذیری آنان را تشدید می‌کند. یکی از آسیب‌های اجتماعی امدادگران بعد از حوادث بی‌هنجاری اجتماعی است (۸).

اصطلاح آنومی برای اولین بار در کتاب «تقسیم کار اجتماعی»<sup>۵</sup>، توسط دورکیم به کار برده شد. او این مفهوم را به «شرایط اجتماعی بی‌هنجار» یا «بی‌سازمانی اجتماعی» تعبیر کرد. وی بی‌هنجاری را وضعیتی فکری و ذهنی می‌داند که در آن فرد تصور می‌کند که هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را از دست داده‌اند. به اعتقاد وی، جوامع انسانی از ماهیتی به‌طور نسبی ساده و غیرمرکب به جوامعی پیچیده تبدیل شده‌اند؛ به همان شکلی که گسترش تقسیم کار، موجب گذار جوامع اروپایی از یک مرحله سنتی، ساده، مکانیکی و فئودالی به مرحله مدرن، صنعتی، پیچیده و ارگانیکی می‌شود سبب بروز بی‌هنجاری نیز می‌شود در دورکیم علاوه بر تقسیم کار بر نقش بحران‌ها در بی‌هنجاری اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است بحران‌های اقتصادی و طبیعی سبب از بین رفتن هنجارها و قواعد اجتماعی می‌شوند و هرچه شدت این حوادث، بیشتر باشد تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی بیشتر می‌شود و گروه‌های در معرض خطر احساس بی‌هنجاری و بی‌نظمی می‌کنند. بنابراین بی‌هنجاری در نظر دورکیم، اشاره به بی‌سازمانی، گسستگی و از هم‌گسیختگی اجتماعی، اختلال و اغتشاش در نظام جمعی دارد. بنابراین آنچه که

<sup>۱</sup> anomie  
<sup>۲</sup> social alienation  
<sup>۳</sup> disorders  
<sup>۴</sup> social isolation

<sup>۵</sup> the division of labor

دورکیم در ارتباط با آنومی مطرح نموده است در زلزله نیز قابل مشاهده می باشد (۹).

رافایل (۱۹۸۶) معتقد است، فشارزایی که امدادگران با آنها روبرو می شوند و آنها را تجربه می کنند، ممکن است شدید باشند. در چنین وضعیتی امدادگران یا در مراحل آتی پس از فاجعه علایمی را در واکنش به فشارزها تجربه می کنند و یا امکان دارد این عوامل به طور دراز مدت بر آنان تأثیر گذارد. وی معتقد است که امدادگران دچار فروپاشی و تحلیل رفتگی می شوند. این علایم بخشی از علایم نشانگانی هستند که به عنوان نشانگان فرسودگی ناشی از فشار روانی کار تعریف می شوند. اسمیت<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) معتقد است، یکی از پیامدهای تجربه امدادگری در فاجعه، کاهش قابلیت کنترل و پیش بینی است، که این فقدان، خود به احساس محرومیت و ناتوانی منجر می شود. اختلاف بین تصورات امدادگر و موقعیت واقعی فاجعه (مثلاً میزان و شدت فاجعه)، مواجه شدن با مرگ و واکنش بازماندگان بر شرایط درونی امدادگران تأثیر می گذارد و آمادگی روانشناختی آنان را بر هم می زند. در چنین حالتی، امدادگر کنترل ذهنی خود را که تصور می کرده است با کمک آن می تواند به رفع مشکلات در صحنه فاجعه بپردازد، از دست می دهد و لذا احساس درماندگی در او گسترش می یابد (۱۰). فردریک<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) معتقد است که امدادگران ممکن است نشانگان فرسودگی را تجربه کنند و علایمی از قبیل فروپاشی، تحریک پذیری و

خستگی و فرسودگی و تحلیل جدی تواناییهای شغلی و سازگاری خویش را بارز سازند. هر چند که امدادگران عموماً متوجه وجود این علایم در خود نمی شوند. به احتمال زیاد نظر فردریک، مجموع علایمی است که دیگر پژوهشگران از آن به عنوان نشانگان ضد فاجعه<sup>۳</sup> نام می برند و معتقدند که یکی از وجوه عمده اقدامات و عملیات امدادی پس از فاجعه هاست. به نظر می رسد نشانگان ضد فاجعه شکل ویژه و منحصر به فرد نشانگان فرسودگی باشد که پس از فاجعه ها در امدادگران به وقوع می پیوندد (۱۱).

مازلاخ<sup>۴</sup> (۱۹۸۲) معتقد است کارکنان و کارگرانی که مدتهای طولانی به طور مستمر در معرض فشار روانی شغلی قرار دارند، ممکن است علایم نشانگان فرسودگی را ظاهر کنند. این نشانگان همراه با افت و تحلیل رفتگی و فروپاشی<sup>۵</sup> جسمی، روانی و اجتماعی، مشخص و توصیف شده است. این افت و فرسودگی بر حسن اجرای وظایف محوله تأثیر می گذارد و لذا افراد مبتلا نمی توانند چون گذشته عملکرد شغلی لازم را از خود نشان دهند (۱۲).

انزوای اجتماعی یکی دیگر از آسیب های اجتماعی امدادگران است. انزوای اجتماعی در واقع حالتی است که در آن فرد یا مجموعه ای از افراد به واسطه درکی که از شرایط محیط پیرامون خود دارند، تحت تاثیر انگیزه های متفاوت فردی و اجتماعی ارتباط خود با پیرامون را قطع می کنند. در این حالت فرد همچنین دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به مکانیسم

<sup>۳</sup> counter disaster syndrome

<sup>۴</sup> Maslach

<sup>۵</sup> exhaustion

<sup>۱</sup> Smith

<sup>۲</sup> Fredrick

ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آنچه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است خود را هم عقیده و همسو نمی‌بیند (۱۳). بر تعامل بین اختلاف شرایط ذهنی امدادگر و شرایط واقعی فاجعه از یک سو و فقدان وضوح نقش (ابهام نقش)، از سوی دیگر، تأکید کرده‌اند. تعامل فوق ممکن است این ترس را در امدادگر ایجاد کند که تلاشها و مساعی او ناکافی است یا این تصور و ناراحتی را در او به وجود آورد که اقدامات انجام شده، اشتباه بوده و ممکن است عده ای از انسانها در اثر اعمال او یا عدم فعالیت کافی وی تلف شوند، در چنین وضعیتی به امدادگر احساس گناه از عملکرد<sup>۱</sup> دست می‌دهد. امدادگر، فعالیت‌های انجام یافته خود را بسیار کمتر از حد کمال مطلوب و رضایت مندی می‌داند و لذا به یأس و ناامیدی و سایر علایم روانی و اجتماعی از جمله انزوای اجتماعی مبتلا خواهد شد (۱۴).

### روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی و کمی بود. که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۴ انجام شده است جامعه آماری را کلیه امدادگران استان‌های آذربایجان شرقی و کرمان تشکیل می‌دادند که در زلزله‌های بم، ورزقان و اهر حضور داشتند. معیار ورود به مطالعه در گروه کانونی حضور در زمان زلزله، سابقه کار بالای پنج سال و معیارهای خروج، مرگ‌ومیر و انصراف از پاسخگویی به پرسشنامه در حین انجام کار بود. برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی ابتدا هدف از اجرای این تحقیق برای امدادگران توضیح و

به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه خواهد بود. سپس اجازه ضبط مصاحبه‌ها گرفته شد و اعلام گردید که شرکت در مطالعه اختیاری است، به طوری که شرکت‌کنندگان اجازه خروج از فرآیند پژوهش را در طول مطالعه دارند. در بخش کیفی برای استخراج مقوله‌ها از طرح تحقیق پدیدارشناسی با بهره‌گیری از گروه‌های کانونی استفاده شد. به منظور دستیابی به گروه‌های کانونی امدادگران، با کارشناسان هلال‌احمر شهرهای بم، اهر و ورزقان مشورت گردید. به کمک این کارشناسان در ابتدا تعداد دوازده نفر (تعداد افراد گروه کانونی بین شش تا دوازده نفر می‌باشند (۱۵) انتخاب شد که محقق آن‌ها را تا رسیدن به درجه اشباع افزایش داد. در نهایت اطلاعات، بر اساس مصاحبه با هفده نفر از امدادگران، استخراج گردید. در مصاحبه‌ها سعی شد تا از برداشت و ذهنیت امدادگرانی که زلزله را تجربه کرده‌اند نسبت به آسیب‌های اجتماعی زلزله جويا شده که با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی سؤالات تحقیق در مورد پدیده مورد مطالعه فراهم گردید.

در بخش کمی به منظور نمونه‌گیری امدادگران آسیب‌دیده در زلزله بم با توجه به اینکه مدت‌زمان طولانی از زلزله بم سپری شده بود از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین ترتیب، محقق، ۹۰ امدادگری را که در زلزله‌های بم، ورزقان و اهر حضور داشتند را انتخاب نمود. امدادگرانی که در زلزله حضور نداشتند نیز با نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که محقق از بین شصت شهر استان آذربایجان شرقی (به جزء شهرهای اهر و

<sup>۱</sup> performance guilt

ورزقان) شهرهای مشکین‌شهر، میانه، سهند، عجب‌شیر و تبریز را به‌طور تصادفی انتخاب و ۹۰ امدادگر آن منطقه به پرسشنامه‌های مذکور پاسخ داده‌اند. در این بخش سعی شد افراد پاسخگو از لحاظ سن، جنس، وضعیت اجتماعی و اقتصادی هم‌تا با نمونه آسیب‌دیده باشند. پرسشنامه‌های مطالعه پس از بیان اهداف تحقیق و دادن آگاهی لازم درباره آن به امدادگران داده شدند. پرسشنامه‌ها برای هر فردی جداگانه و با رعایت حریم خصوصی تکمیل شد. اگر پرسشنامه‌ای اطلاعات ناقص داشت، از شرکت‌کننده خواسته شد نسبت به تکمیل اطلاعات اقدام کند. در نهایت، برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی به امدادگران اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه خواهد ماند و نتایج پرسشنامه‌ها تنها در امر پژوهش استفاده خواهد شد.

در مرحله کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بوده که یکی از ارکان اصلی در روش تحقیق آمیخته اکتشافی محسوب می‌شود. برای بررسی روایی و پایایی مرحله کیفی، از مفهوم قابلیت اعتماد گوبا و لینکلن (۱۹۸۱) استفاده شد که دربرگیرنده مجموعه‌ای از معیارها شامل قابلیت اعتبار یا قابل قبول بودن (جایگزینی برای مفهوم کمی روایی درونی)، قابلیت انتقال/انتقال‌پذیری (جایگزینی برای مفهوم کمی روایی بیرونی)، قابلیت اعتماد یا سازگاری (جایگزینی برای مفهوم کمی پایایی) و قابلیت تائید و بی‌طرفی (جایگزینی برای مفهوم کمی عینیت) می‌باشد. در بخش کمی ابزار پژوهش<sup>۱</sup> پرسشنامه‌های

انزوای اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی و فرسودگی شغلی بودند. پرسشنامه انزوای اجتماعی دارای ۴ سؤال است که توسط اختری فسندرز (۱۳۷۵) تهیه شده است. نمره‌گذاری سؤالات بر روی طیف لیکرت پنج درجه ای از خیلی موافقم (۱) تا خیلی مخالفم (۵) انجام می‌شود. دامنه نمرات از ۴ تا ۲۰ می‌باشد. هر چه نمرات بالاتر باشند میزان انزوای اجتماعی بیشتر خواهد بود. وی پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش نموده است. در این تحقیق پایایی پرسشنامه با همان روش، برابر با ۰/۷۸ به دست آمد و شاخص روایی محتوایی برای تمامی گویه‌ها طی بررسی توسط هفت نفر از اساتید بالاتر از ۰/۷۹ بدست آمد.

ابزار دیگر تحقیق پرسشنامه بی‌هنجاری اجتماعی بود این پرسشنامه دارای ۲۲ سؤال می‌باشد که توسط کاظمی (۱۳۷۵) ساخته شده است. نمره‌گذاری سؤالات بر روی طیف لیکرت پنج درجه ای از ۱ تا ۵ انجام می‌شود. دامنه نمرات از ۲۲ تا ۱۱۰ می‌باشد. پایایی پرسشنامه را کاظمی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش نموده است. در این پژوهش محقق پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه نموده و شاخص روایی محتوایی برای تمامی گویه‌ها طی بررسی توسط پنج نفر از اساتید و کارشناسان بالاتر از ۰/۷۹ بدست آمد.

پرسشنامه فرسودگی شغلی مسلش (۱۹۸۱) نیز یکی دیگر از ابزار تحقیق بود این پرسشنامه دارای ۲۲ سؤال و سه زیر مقیاس خستگی عاطفی، شخصیت زدایی و فقدان موفقیت فردی می‌باشد. نمره‌گذاری سؤالات با طیف لیکرت از هرگز (۰) تا خیلی زیاد

<sup>۱</sup> Marlowe - Kravn

(۶) انجام می‌شود. مسلش و جکسون ضریب پایایی ۰/۷۹ برای خستگی عاطفی، برای شخصیت زدایی و ۰/۷۱ را برای فقدان موفقیت فردی گزارش کرده‌اند. بهنیا (۱۳۷۹) ضریب پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۷ و گرگوکی (۱۳۷۴) بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۴ محاسبه کرده‌اند. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ و برای سه خرده‌مقیاس آن به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۸۲ به‌دست‌آمده است و روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کیفی به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل موضوعی استفاده گردید. در تحلیل داده‌های کیفی مراحل زیر دنبال گردید (۱) مرور داده‌ها (۲) سازمان‌دهی داده‌ها (۳) کدگذاری داده‌ها (۴) طبقه‌بندی داده‌ها (۵) مقوله‌بندی (۶) ایجاد موضوع و (۷) تدوین گزارش. در بخش کمی به کمک نسخه ۲۱ نرم‌افزار SPSS با طراحی جدول و آزمون آماری تی استودنت میزان آسیب‌های اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران مقایسه شد. همچنین قبل از اجرای آزمون پیش‌فرض طبیعی بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این بخش ابتدا مفاهیم استخراج‌شده از گروه کانونی امدادگران در جدول شماره (۱) ارائه شده است و سپس مقولات استخراج‌شده از گروه کانونی امدادگران ذکر شده‌اند (جدول شماره ۲). آسیب‌های استخراج‌شده در دو مقوله اجتماعی و روان‌شناختی

قرار می‌گیرند. با توجه به حیطه پژوهش موجود که هدف مطالعه آسیب‌های اجتماعی بود، در بخش کمی پژوهش، تنها مقوله‌های اجتماعی مورد بررسی و مطالعه بیشتر قرار گرفت. قبل از انجام تحلیل کمی، به‌منظور بررسی پارامتریک بودن توزیع نمرات ضمن ارائه کجی و کشیدگی توزیع نمرات، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. مقادیر کجی و کشیدگی مشاهده‌شده برای متغیرها در دامنه (۲) و (۲-) قرار داشتند که گویای نرمال بودن توزیع متغیرها بود. همچنین با توجه به مقدار آزمون کولموگروف اسمیرنوف ( $P > 0/05$ ) فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات تأیید شد این نتایج در جدول شماره (۳) ذکر شده است.

در راستای بررسی فرضیه اول (بین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد) از جدول شماره (۴) چنین برمی‌آید که میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله  $\pm 23/78$  از سایر امدادگران بیشتر ( $50/2 \pm 22/27$ ) است. معنی‌داری تفاوت موجود بین میانگین‌ها با استفاده از آزمون T مستقل بررسی شده است که تفاوت موجود در سطح ( $P < 0/01$ ) معنی‌دار است. به عبارتی میزان بی‌هنجاری اجتماعی امدادگرانی که زلزله را تجربه کرده‌اند بیشتر از سایر امدادگران است.

طی بررسی فرضیه دوم (بین انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد) نتایج جدول ۴ نشان داد، میانگین انزوای اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله



( $9 \pm 2/63$ ) از سایر امدادگران ( $7 \pm 2/34$ ) بیشتر است. نتایج این جدول همچنین بیانگر معنادار بودن تفاوت بین دو گروه در انزوای اجتماعی در سطح ( $P < 0/01$ ) می باشد؛ به عبارتی بین امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران از لحاظ انزوای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

در راستای بررسی فرضیه سوم (بین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله با سایر امدادگران تفاوت معنی داری وجود دارد) نتایج جدول (۴) حاکی از این بود، نمرات فرسودگی شغلی در دامنه ۰ تا ۱۳۲ قرار دارد که هرچه نمرات بالاتر باشند، میزان فرسودگی شغلی بالا است. از جدول شماره (۴) چنین برمی آید که میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله ( $118/91 \pm 80/93$ ) از سایر امدادگران ( $17/77 \pm 40/03$ ) بیشتر است. معنی داری تفاوت موجود بین میانگین‌ها با استفاده از آزمون T مستقل بررسی شده است که تفاوت موجود در سطح ( $P < 0/01$ ) معنی دار است (جدول شماره ۴). به عبارتی میزان فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران است.

### بحث

پژوهش حاضر باهدف مطالعه آسیب‌پذیری اجتماعی امدادگران در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین بی‌هنجاری اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران می باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران از لحاظ بی‌هنجاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه نیز

همسو و همخوان با نظریه آنومی دورکیم<sup>۱</sup> می باشد. دورکیم معتقد است که چهار عامل ۱- تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی ۲- قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر ۳- پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده از نظم ۴- تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه موجب بی‌هنجاری در جامعه می‌شود (۱۶). در زلزله هم این شرایط وجود دارد. از آنجاکه امدادگران در معرض حادثه قرار دارند شاهد صحنه‌های دل‌خراشی می باشند که آن‌ها را دچار سردرگمی و بی‌هنجاری می‌کند. در مصاحبه‌های انجام شده، امدادگران به مواردی چون بی‌اعتمادی به دیگران و عدم وجود حساب، نظم و ترتیب در امور اشاره نموده اند که این موارد، همسو با عوامل ذکر شده توسط دورکیم چون تغییر در استاندارد زندگی و تضعیف اخلاق در جامعه می باشند. شایان ذکر است که افزایش نرخ سرقت و دزدی توسط برخی از سودجویان در تجربیات نقل شده توسط امدادگران، دیگر گواه تضعیف اخلاقیات در جامعه و زمینه ساز آنومی می باشند. نتیجه این پژوهش همچنین با نتایج تحقیق تایلور و فریزر<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) که به بررسی آسیب‌های امدادگران سقوط هواپیمای مسافربری در زلاندنو پرداخته‌اند هم‌خوانی دارد (۱۷). نتایج پژوهش صدرالسادت (۱۳۸۹) هم یافته‌های تحقیق حاضر را تأیید می نمایند. شواهد دلالت بر این دارند در صورت بروز بلا، امدادگران در معرض خطر بالایی قرار گرفته و تحت تأثیر اثرات ناگوار عاطفی بلایا قرار می‌گیرند. افسردگی و

<sup>۱</sup> Durkheim

<sup>۲</sup> Taylor & Frazer

## نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد اگرچه زلزله یک پدیده طبیعی است، اما به سبب آسیب‌های اجتماعی گوناگونی که دارد به موضوعی جامعه‌شناسی تبدیل می‌شود و گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیری را به وجود می‌آورد. امدادگران از جمله گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر می‌باشند که حوادث و بلایای طبیعی، آسیب‌پذیری آن‌ها را شدت می‌بخشد. از آنجاکه این گروه در معرض حادثه قرار دارند و مداوم صحنه‌های دل‌خراشی را مشاهده می‌نمایند، دچار بی‌هنجاری، سردرگمی و انزوای اجتماعی می‌شوند. این عوامل به‌مرور زمان زمینه فرسودگی شغلی آنان را فراهم می‌نمایند.

حال با توجه به آسیب‌پذیری این گروه اجتماعی امدادگران می‌توانند از طریق برقراری روابط اجتماعی با اعضای خانواده، دوستان و حمایت‌های بین فردی و اجتماعی به مقابله و سازگاری با پیامدهای فاجعه بپردازند. پاتون (۱۹۸۹) معتقد است که این راهبرد علاوه بر اثر تعدیل‌کننده ادراک فاجعه توسط امدادگر و در نتیجه تسهیل مقابله در او، به وی این آگاهی را می‌بخشد که علائم و احساساتی که او در صحنه فاجعه تجربه می‌کند، جزئی معمولی و عادی از کار او هستند. از سوی دیگر با توجه به نظریه گلسر<sup>۴</sup> (۲۱) روابط اجتماعی برای امدادگر پایه‌ای از احساس ایمنی فراهم می‌آورد بنابراین وی درمی‌یابد عده‌ای دوستدار او و منتظر بازگشت او هستند. طبیعی است این ادراکات، موضوع مقابله و

دیگر اشکال پریشانی در بین امدادگران به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود (۱۸).

انزوای اجتماعی دیگر آسیب اجتماعی امدادگران حاضر در زلزله است که علاوه بر نتایج حاصل از تحلیل، در مصاحبه‌های انجام شده، به شواهد این آسیب چون غم و غصه، عدم تمایل به ارتباط با دیگران و حضور در جمع افراد اشاره شده است. یافته‌های این پژوهش همچنین بیانگر این بود میانگین فرسودگی شغلی امدادگران حاضر در زلزله بیشتر از سایر امدادگران می‌باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین امدادگران حاضر در زلزله و سایر امدادگران از لحاظ فرسودگی شغلی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با پژوهش نظریه استونچ<sup>۱</sup> (۱۹) پاتون (۱۹۸۹)، رافائل (۱۹۸۶)، مازلاخ<sup>۲</sup> (۱۳) و فیگلی<sup>۳</sup> (۲۰) همسو می‌باشد. این نظریه‌پردازان معتقدند کارکنان و کارگرانی که مدت‌های طولانی به‌طور مستمر در معرض فشار روانی شغلی قرار دارند، دچار فرسودگی می‌شوند. این افت و فرسودگی بر حسن اجرای وظایف محوله تأثیر می‌گذارد. لذا افراد مبتلا نمی‌توانند چون گذشته عملکرد شغلی لازم را از خود نشان دهند. امدادگران حاضر در زلزله در مصاحبه‌های خود، به مواردی چون خستگی از کار، احساس سرخوردگی، حجم بالای کار و خارج از توان و تمایل به عدم انجام فعالیت و بازگشت به خانواده اشاره نمودند که همه این موارد شواهد فرسودگی شغلی می‌باشند.

<sup>۱</sup> Stonich  
<sup>۲</sup> Maslach  
<sup>۳</sup> Figley

<sup>۴</sup> Gelser

سازگاری را در امدادگران تسهیل خواهد کرد. همچنین تلاش برای کسب مهارت و تسلط بر موقعیت فاجعه یکی از راهبردهای مقابله‌ای در امدادگر است؛ زیرا کسب مهارت و کار آیی به امدادگر این احساس را می‌دهد که از نظر شخصی پیشرفت و رشد داشته است. رافائل (۱۹۸۶) نیز بر این راهبرد تأکید دارد و معتقد است کسب مهارت به فرد کمک می‌کند تا دریابد که کار او به‌خوبی

### سپاسگزاری

انجام شده و آنچه او عملاً انجام داده، مناسب بوده است. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی امدادگران استان‌های کرمان و آذربایجان شرقی و مسئولین مراکز هلال‌احمر این استان‌ها صمیمانه تشکر و قدردانی کنند.

### جدول ۱: مفاهیم استخراج شده از مصاحبه گروه کانونی امدادگران

مفهوم	داده	ردیف
احساس گناه	خیلی وقت ها فکر می‌کنم شاید اگر زودتر رسیده بودیم، خیلی ها زنده می‌ماندند	۱
	خیلی وقت ها فکر می‌کنم دیر وارد عمل شدیم، سریع کار نکردیم	۲
	کاش وسایل بهتری داشتیم، ما مجهز نبودیم	۳
احساس درماندگی	ما در کمک به دیگران خیلی وقت ها عاجزیم	۱
	بیشتر اوقات فکر می‌کنم، آدم قویی نیستم	۲
	من به درد این شغل نمی‌خورم، روحیه اش را ندارم	۳
فرسودگی شغلی	خیلی وقت ها از کار خسته می‌شدم	۱
	در بیشتر مواقع احساس سرخوردگی می‌کردم	۲
	خانواده مان را کم می‌دیدیم	۳
	اکثر اوقات دوست داشتیم، محیط را ترک کنم و بر گردم	۴
	خیلی وقت ها دوست داشتم تنها باشم و به هیچ کاری مشغول نباشم	۵
	در پایان کار روزانه، کلی بار روی دوش هایم بود و احساس گیجی و منگی می‌کردم	۶
افسردگی	خیلی زود عصبانی می‌شوم و نمی‌توانم خودم را کنترل کنم	۱
	دردهای جسمانی ام زیاد شده است	۲
	خوابم بهم ریخته است، دائم بیدار می‌شوم و از خواب می‌پریم	۳
	کابوس زیاد می‌بینم	۴
	بسیار بدبین شده ام	۵
استرس	زود از کوره در می‌روم	۱
	دائم تپش قلب دارم	۲
	دائم گوش بزند اتفاق بدی هستم	۳
	آرامش برایمان یک رویا شده است	۴
انزوای اجتماعی	تحت تاثیر غم هایی قرار می‌گرفتم که نمی‌توانم در مورد آنها صحبت کنم	۱
	خیلی وقت ها دوست داشتم تنها باشم، حوصله هیچ فردی را نداشتم	۲

۳ وقتی از محیط زلزله دور می‌شدم تا مدت‌ها دوست نداشتم با کسی صحبت کنم

۱	آدم نمی‌داند به چه کسی اعتماد کند	بی‌هنجاری اجتماعی
۲	در حوادث هیچ حساب و کتابی وجود ندارد	
۳	در حوادث دزدی و سرقت زیاد صورت می‌گیرد، احساس بی‌نظمی و گیجی می‌کنی	

### جدول ۲: مقوله‌های استخراج‌شده از گروه کانونی امدادگران

گروه کانونی	مقوله اجتماعی	مقوله روان‌شناختی
امدادگران	انزوای اجتماعی/بی‌هنجاری اجتماعی / فرسودگی شغلی / احساس گناه / درماندگی / افسردگی / استرس	

### جدول شماره ۳: مقادیر کجی و کشیدگی و نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها

گروه امدادگران حاضر در زلزله					
متغیرها	کجی		کشیدگی		آزمون کولموگروف اسمیرنوف
	مقدار	خطای استاندارد	مقدار	خطای استاندارد	
انزوای اجتماعی	۱/۰۱	۰/۳۴	۰/۶۷	۰/۵۹	۰/۰۵۳
بی‌هنجاری اجتماعی	۰/۹۸	۰/۴۴	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۰۵۴
فرسودگی شغلی	۰/۹۹	۰/۶۱	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۰۵۶
گروه سایر امدادگران					
انزوای اجتماعی	-۰/۹۸	۰/۱۵	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۰۵۶
بی‌هنجاری اجتماعی	-۰/۸۷	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۵۸
فرسودگی شغلی	-۰/۵۶	۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۳۱	۰/۰۵۶

### جدول شماره ۴: نتایج آزمون T مستقل تفاوت میانگین متغیرهای پژوهش در دو گروه امدادگران حاضر در

#### زلزله و سایر امدادگران

متغیر	گروه	N	$\bar{X}$	S	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون T مستقل برای برابری میانگین‌ها		
					Sig	F	t	df	Sig
بی‌هنجاری اجتماعی	امدادگران حاضر در زلزله	۹۰	۷۴/۴۶	۲۳/۷۸	۱/۲۵	۰/۲۶۷	۴/۰۷	۱۷۸	۰/۰۰۰
	سایر امدادگران	۹۰	۵۰/۲	۲۲/۲۷					
حی	امدادگران حاضر در زلزله	۹۰	۹	۲/۶۳	۰/۷۸۵	۰/۳۷۹	-۰/۷۶۶	۱۷۸	۰/۰۰۱

					۲/۳۴	۷	۹۰	سایر امدادگران	
۰/۰۰۰	۱۷۸	۸/۶۳	۰/۸۰۱	۰/۰۶۴	۱۸/۹۱	۸۰/۹۳	۹۰	امدادگران حاضر در زلزله	جمعاً
					۱۷/۷۷	۴۰/۰۳	۹۰	سایر امدادگران	

## The Study of social vulnerability of Rescuers with emphasize in Bam, Varzaghan and Ahar earthquakes

**Corresponding Author:** Amir Soltani Nejad, PhD in Sociology, Khaje nasiradin toosi Farhangian University, Kerman, Iran

**Email:** amirsoltan<sup>o</sup><sup>9</sup>@gmail.com

**Adibeh Barshan:** PhD in Educational Measurement, Tehran University, Tehran, Iran

**Amirsadra Asadi:** MA in Educational Management, Islamic Azad University, Kerman, Kerman, Iran

**Mansoureh Mirhossein:** MA in Psychology, Department of Psychology, Payame Noor University of Semnan, Semnan, Iran

**Received:**      **Accepted:**

### Abstract

**Background:** Earthquake is one of the saddest and most terrible natural disasters that every year kills many people around the world. Moreover, it causes a lot of damage. These damages are not limited to material damage, but also many injuries and social damage bring to the community. Although the earthquake is a natural disaster, but due to this various social effects become a social subject and created vulnerable groups. One of these groups is rescuers. The present study aimed to investigate the social vulnerability of rescuers in the earthquake

**Methods:** The present study involved a cross-sectional qualitative-quantitative method. population was comprised of all the Rescuers in Kerman and East Azerbaijan provinces. In the qualitative part, in order to identify social problem of Rescuers who experienced earthquake ,categories has been collected by focus group for this purpose seventeen people were selected by purposive sampling method for focus group of rescuers and identified of social damage of the earthquake .In the quantitative phase, ninety Rescuers who have experienced the earthquake of Bam, Varzaghan and Ahar selected randomly, also ninety rescuers who have not experienced an earthquake selected and matched with the first group. Both groups answer to questionnaire of social isolation, social anomalies and burnout questionnaire. The collected data was analyzed by SPSS software (version ۲۱) and T test

**Findings:** In the qualitative part, social damage of earthquakes, including social isolation, Social anomalies and burnout were identified through interviews. In the quantitative results the average of Social anomalies was ( $۷۴/۴۶ \pm ۲۳/۷۸$ ) social isolation was ( $۹ \pm ۲/۶۳$ ) and burnout was ( $۸۰/۹۳ \pm ۱۸/۹۱$ ) among Rescuers in the earthquake but the average of Social anomalies was ( $۶۰/۲ \pm ۲۲/۲۷$ ) social isolation was ( $۷ \pm ۲/۳۴$ ) and burnout was ( $۴۰/۰۳ \pm ۱۷/۷۷$ ) among other Rescuers. Than the rate of social isolation, Social anomalies and burnout of the Rescuers who have experienced the earthquake are more than other Rescuers ( $P < ۰,۰۱$ ).

**Conclusion :**Based on the results of the study, it was concluded that rescuers is one of Social groups that in the earthquake addition of anxiety, feelings of guilt, depression and helplessness confront with social problems that have not been considered. So plan and make a strategy to reduce and control such injuries, will be one of the most important Necessities.

**Keywords:** social vulnerability, rescuers, earthquake, social isolation, social anomalies